وظایف قلبی ما در برابر قرآن کریم ـ علی‌نقی خدایاری
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ٦٧ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، تابستان ١٣٩٩، ص ١٨٩-١٦٦

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

وظایف قلبی ما در برابر قرآن کریم

علی‌نقی خدایاری*

چکیده: مباحثی مانند جایگاه قرآن و حقوق آن، ضرورت شناخت این حقوق و روشهای استخراج آنها از متون دینی، مقدمات بحث نگارنده است. آنگاه سه وظیفهٔ قلبی در برابر قرآن را با استناد به آیات و احادیث، تحلیل و بررسی می‌کند: ایمان به قرآن، پذیرش مرجعیت علمی قرآن، پذیرش حاکمیت و داوری قرآن.

کلیدواژه‌ها: حقوق قرآن؛ جایگاه قرآن؛ ایمان به قرآن؛ پذیرش مرجعیت علمی قرآن؛ پذیرش حاکمیت و داوری قرآن.

*.استادیار جامعة المصطفی٦ العالمیة alikhodayari110@yahoo.com

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

مقدمه

مقصود از حقوق قرآن، مجموعهٔ بایستگی‌ها و شایستگی‌های کتاب الهی است که برای ما وظایف و تکالیفی پدید می‌آورد. با توجه به تقابل حق و تکلیف، هر حقّی از حقوق قرآن، ما را بر تکلیف یا تکالیفی ملزم می‌کند. بدین سان ما در برابر قرآن عظیم به عنوان کتاب خدا و معجزه جاوید حضرت رسول٦ وظایفی مانند ایمان، پیروی، عمل کردن و قرائت و تدبّر داریم که با انجام شایستهٔ آنها گامی در راه ادای حقّی از حقوق قرآن کریم – که حقّ خدا و رسول خدا است – برداشته‌ایم.

با رجوع به متون دینی، اعم از آیات و روایات، در می‌یابیم که تکالیف سنگین، گسترده و متنوعی در آستان قرآن کریم بر عهدهٔ ماست. این تکالیف ابعاد علمی یا عملی دارند و ناظر به جنبه‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی ما هستند؛ برخی به صورت اثباتی (بایدها) و برخی به شکل سلبی (نبایدها).

شاید یکی از دلایل کثرت حقوق قرآن، به حقیقت و محتوای قرآن کریم و کارکردهای متنوع آن برای ما انسانها بر می‌گردد. قرآن کتابی است که در مواجههٔ صحیح با آن، تمام ساحتهای وجودی انسان، اعم از اندیشه و گفتار و رفتار و عواطف، درگیر جاذبهٔ کلام و کتاب خدا می‌شود؛ نیز ژرفای روح و روان ما مستغرق در انوار و معارف و حقایق آن می‌گردد.

جایگاه قرآن کریم

پیش از بررسی حقوق قرآن کریم، اشاره‌ای گذرا به عظمت و جایگاه والای قرآن کریم بجاست. در بارهٔ عظمت قرآن، سخن بسیار گفته‌اند ولی هنوز پرده از رخسار حقیقتِ پیمان نامهٔ سترگ الهی برداشته نشده است. آیات و روایات اهل بیت: سرشار از توصیفات عالی در بارهٔ حقیقت و عظمت قرآن کریم است که هر کدام گوشه‌ای از عظمت کلام خدا و کتاب تشریع او را بازنموده‌اند. تأمل در حقوق

قرآن نیز می‌تواند ما را به این دریافت بسیار مغتنم رهنمون گردد.

در اینجا - با عنایت به سخنان برخی مفسران معاصر - به اجمال می‌توان روش توجه به سویه‌ها و ارکان قرآن کریم در نزدیک شدن به عظمت کتاب الهی را یادآور شد. مراد از سویه‌های قرآن، سه رکن است: متکلم قرآن، مخاطب قرآن و محتوای قرآن؛ به تعبیر دیگر، مفیض و مستفیض و فیض.

متکلم و مفیض قرآن، خدای علیم و حکیم است:

*وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل، آیه ٦) و حقّاً تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری. *تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (غافر، ۲)، نزول این کتاب از جانب خدای پیروزمند داناست.

مخاطب قرآن کریم و مستفیض مستقیم از آن، قلب مبارک حضرت رسول، خاتم پیامبران و افضل رسولان است، که برای هدایت جامعه بشری رسالت یافته است.

*يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب، ٤٥ و ٤٦) ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم؛ و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک.

محتوای این فیض الهی، قرآن، کلام والا و کتاب ارجمند و حکمت‌آمیز خداست، با انوار تابان و حقایق بی‌شمار در حوزه‌های پراهمیتی چون خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، فرجام‌شناسی، دین‌شناسی و تکلیف‌شناسی.

*إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ؛ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ؛ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (واقعه، ۷۷ ـ۸۰) به راستی، این قرآنی است ارجمند؛ در کتابی مکنون؛ که جز پاک‌شدگان دست بر آن نزنند؛ نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است.

* وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل، ۸۹)؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.

سخن از حقوق قرآن، سخن از کتابی با این اوصاف و ویژگی‌هاست.

پیشینهٔ بحث

در آیات فراوانی تکالیف انسانها یا مؤمنان در ساحت قرآن کریم بیان شده است. در متون حدیثی نیز به گستردگی در بارهٔ تکالیف ما سخن رفته است. به طور مشخّص در سه دسته از منابع در این باره بحث شده است.

در مقدمه بسیاری از تفاسیر شیعه مانند مجمع‌البیان، روض‌الجنان، منهج‌الصادقین و تفسیر صافی در بارهٔ فضیلت قرآن و اهل آن و دانش قرآن سخن رفته و ضمن آن، برخی از وظایف علمی و عملی انسانها در برابر کتاب خدا بیان شده است. (ر.ک. تفسیر مجمع البیان ج ۱ ص ٤٤. [الفن السادس]: فی ذکر بعض ما جاء من الأخبار المشهورة فی فضل القرآن وأهله، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۱۷، منهج الصادقین، ج ۱ ص ۱۲ «فصل دهم در ذکر احادیث و اخباری که دلالت می‌کند بر ترغیب قرائت قرآن و دانستن معانی فرقان»، تفسیر الصافی، ج۱، ص: ۱۵، مقدمه اول.)

در هیجده حدیثی که در مقدمهٔ تفسیر عیاشی آمده، بسیاری از تکالیف بیان شده است. (تفسیر عیاشی، ج۱ ص۲ به بعد) شیخ کلینی که در کتاب کافی، کتاب فضل‌القرآن را به جمع و تبویب روایات قرآن اختصاص داده، در ابواب متنوع آن روایات گهرباری در این باره نقل کرده است. (الکافی ج ۱ ص ٥٩٦ به بعد) در خطبه فدکیه حضرت صدیقه طاهره در مسجد نبوی درباره قرآن سخن رفته است. (الاحتجاج ج ۱، ص ۹۷) امیر مؤمنان۷ در برخی خطبه‌های نهج‌البلاغه وظایف ما را یادآوری کرده‌اند. امام زین‌العابدین۷ نیز در دعای چهل و دوم صحیفه مبارکه در باره عظمت قرآن و تکالیف ما حقایقی بیان کرده‌اند. به همین ترتیب در جوامع حدیثی متأخر، مانند الوافی، بحارالانوار و وسائل الشیعة، متون حدیثی فراوانی در این باب گرد آمده است.

از سخنان شارحان احادیث اهل بیت: هم نباید غفلت کرد. سیدعلی‌خان مدنی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

در شرح فقره «فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاه حَقَّ رِعَايَتِه»[1] در دعای چهل و دوم صحیفه سجادیه، برخی از مهمترین تکالیف در آستان قرآن را بررسی کرده است. وی رعایت و محافظت قرآن را پرداختن به وظایف در برابر قرآن شمرده که شامل موارد زیر است: ایمان به قرآن، تعظیم و بزرگداشت قرآن، حفظ، تعلم، تعلیم، مواظبت بر تلاوت با آداب، گوش دادن به قرائت قرآن، عمل به اوامر و مستحبات آن، پرهیز از نواهی قرآن، عبرت گرفتن از مثل‌ها و قصه‌های آن، تدبر در متن و اسرار قرآن و تکالیف دیگری که در احادیث و سخنان عالمان دینی آمده است. (ریاض السالکین ج ٥ ص ٤٢٠)

دسته سوم منابع، برخی از کتب اخلاق و تربیت هستند که بابی را به این موضوع اختصاص داده‌اند. در کتاب معارج الیقین فی أصول الدین (جامع الاخبار) فصلی شامل روایات ترغیب به قرائت وتمسک به قرآن آمده است. (معارج الیقین فی أصول الدین (جامع الاخبار) ص ١١٣ فصل ٢١) دیلمی در متونی درباره حال و صفات قاریان و فضیلت قرآن و تمسک به آن هنگام اختلاف مردم آورده است. (أعلام الدین فی صفات المؤمنین ص ٩٩) شهید ثانی دانش قرآن را یکی از دانش‌هایی می‌داند که فراگیری آنها لازم است و مطالبی درباره ارزش علم قرآنی و روایات ناظر به نهی از تفسیر به رأی آورده است. (منیة المرید؛ ص ٣٦٧ـ ٣٦٩) نراقی به پیروی از محجة البیضاء و احیاء العلوم، بابی را به تلاوت قرآن و آداب ظاهری و باطنی آن اختصاص داده و چکیدهٔ سخنان غزالی را بیان کرده است. (جامع السعادات، ج ٣ ص ٢٩٤ مقصد چهارم؛ ترجمه فارسی آن:، علم اخلاق اسلامی، مترجم: مجتبوی، ج ٣ ص ٤٦٠)

در شماری از متون تفسیری و حدیثی معاصر این بحث با ابعاد بیشتری مطرح شده است. طیب در چندین گفتار از ده گفتار مقدماتی تفسیر مباحث ناظر به

١. پس ما را از کسانی قرار داده که آن را چنان که شایسته حفظ و نگهداری آن است نگاه می‌دارند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

تکالیف را بازگو کرده است. گفتار اول در بیان فضیلت قرآن و وجوب تمسّک به آن گفتار پنجم در فضیلت قرائت قرآن و حفظ و تعلیم و تعلّم آن گفتار هفتم در وجوب احترام قرآن و حرمت هتک آن گفتار هشتم در بیان شفاعت و خصومت قرآن» (اطیب البیان، ج ۱ ص ٤ به بعد)

برادران حکیمی‌بخشی از مجموعه خود را در ۵۰ فصل در باره ابعاد و ویژگی‌های قرآن کریم سامان داده‌اند که شماری از فصول و زیرفصلهای آن ناظر به حقوق قرآن است. عناوینی چون: ملازمت قرآن، تدبر قرآنی و فضیلت و عظمت قرآن، حافظان قرآن، حاملان قرآن، خوانندگان قرآن، شنوندگان قرآن، آموختن قرآن، ادای حروف و الغای حدود، دانایان علوم قرآن جالب توجه است. (الحیاة، ج ۲ باب ٦)

در برخی مقالات نیز این بحث پی جویی شده است. در مقاله‌ای با عنوان «مراتب انس با قرآن در روایات» برای انس با قرآن نظامی پیشنهاد شده که به باور نویسنده، از مجموع روایات مربوط به قرآن به دست می‌آید؛ از نگهداری قرآن در خانه آغاز می‌شود و به بالاترین درجه، یعنی عمل به قرآن، پایان می‌یابد. این مراتب عبارتند از: الف) نگهداری قرآن در خانه؛ ب) نگاه کردن به آیات قرآن؛ ج) گوش فرادادن به تلاوت قرآن؛ د) تلاوت قرآن؛ هـ) تدبّر و تفکّر در قرآن؛ و) عمل به قرآن. میان عمل به قرآن و علم به آن نیز رابطه دوسویه برقرار است یعنی عمل به قرآن باعث فزونی علم قرآنی می‌گردد و علم به قرآن لازمه عمل به آن است. («مراتب انس با قرآن در روایات»، اصغر هادوی کاشانی، فصلنامه علوم حدیث. شماره ۱۳)

ضرورت بحث

سخن گفتن از حقوق قرآن و وظایف ما، کارکردها و سودمندی‌های متعددی دارد که پرداختن به آن را بایسته می‌نماید. این سودمندی‌ها را به این صورت می‌توان دسته‌بندی کرد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

۱. آگاهی ما به تکالیف خود برای انجام دادن آنها. مقدمهٔ لازم هر تکلیفی شناخت دقیق حقیقت و ابعاد آن و شیوه صحیح انجام دادن آن است تا نتیجهٔ مورد نظر از آن به دست آید و با شناخت آسیب‌ها و آفات موجود در این باب، زمینهٔ بهره‌گیری از معرفت و معنویت قرآن کریم را فراهم آورد.

۲. آگاهی از عظمت و جایگاه ارزشی والای قرآن کریم. فراوانی و گستردگی وظایف ما نشانگر عظمت قرآن کریم است. از همین رو بسیاری از تکالیف در متون حدیثی و تفسیری ذیل عنوان فضل قرآن مطرح شده است.

۳. نشان دادن اهتمام ویژهٔ اهل بیت: و به دنبال ایشان عالمان و پیروان اهل بیت به قرآن کریم. اهل بیت به عنوان همراهان همیشگی قرآن، با نشان دادنِ حقوق قرآن در کنار حقوق اهل بیت، پیوند گسست‌ناپذیر قرآن و عترت را یادآور شده و زمینه‌های تمسک همزمان به ثقلین را فراهم کرده‌اند.

٤. توجه به این نکته که میزان حقوق قرآن و گستردگی و تنوع وظایف ما نشانهٔ جایگاه والای کتاب آسمانی است و شناخت وظایف ما در برابر قرآن، ما را به عظمت ناشناختهٔ قرآن رهنمون می‌شود.

روشهای استخراج وظایف از متون دینی

روشهای متعدد برای دریافت و استخراج وظایف و تکالیف ما در برابر قرآن کریم وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف. رجوع به متون بیانگر وظایف. در برخی متون به صراحت با شناخت امر یا نهی و شناختهای مشابه وظیفهٔ ما مانند خواندن، تدبر و عمل کردن بیان شده است.

ب. بهره‌گیری از آیات و روایاتِ ناظر به اهداف نزول قرآن و کارکردهای آن. با توجه به اهدافی مانند هدایت و تربیت و خروج از تاریکی و ولایت شیطان و راه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

بردن به نور و ولایت الهی که به عنوان اهداف نزول قرآن مطرح شده است، بسیاری از تکالیف ما نیز روشن می‌شود؛ چرا که ما باید از این هدایت و تربیت الهی بهره‌مند شویم و هدایت بپذیریم و در مسیر تکامل و تربیت گام برداریم و زیر بار ولایت طاغوت و شیطان نرویم.

ج. عنایت به فضیلت و عظمت قرآن و ویژگیها و نامهای قرآن. متونی که حقیقت و اوصاف این مائدهٔ آسمانی را بیان می‌کنند نیز، وسیله‌ای برای فهم وظایف است. بدین‌سان اگر قرآن جامعیت دارد، ما باید با ایمان به جامعیت قرآن، معارف ضروری خود را تنها از قرآن برگیریم. اگر قرآن مایه شفا و رحمت است، برای بهبود بیماریهای جسمی و روحی خود از آن درمان بخواهیم. اگر نور و روشنایی است، به نورانیت برسیم.

د. توجه به محتوای قرآن. با تدبر در آموزه‌ها و تعالیم متن قرآن در حوزهٔ نظری و عملی می‌توان با بخش بزرگی از تکالیف آشنا شد. به عنوان مثال، ایمان به خدای یگانه و نفی شرک (در حوزهٔ معرفت و عقیده) و اقامه نماز و پرداخت زکات (در عرصهٔ عمل)، از آموزه‌های کلیدی و تکالیف مهم قرآن است.

حال با پذیرش و انجام این سه وظیفه، بزرگترین ادای دین در ساحت قرآن انجام شده است. اگر فرضاً متون و راههای پیش گفته نبود، با تدبّر مؤمنانه در متن قرآن می‌توانستیم بسیاری از تکالیف خود را بازشناسیم.

ه. تأمل در شوون و وظایف حضرت رسول٦ در ارتباط با قرآن کریم. هر یک از شؤون و اقدامات آن حضرت درباره قرآن می‌تواند خاستگاه و بیانگر وظیفه‌ای باشد. مثلاً طبق آیات متعدد، پیامبر مسؤولیت تلاوت آیات خدا و تعلیم کتاب و حکمت الهی و دعوت به سوی حیات معنوی را برعهده دارد. بر این پایه، ما موظّف هستیم که آیات خدا را (سمعاً و قلباً) استماع کنیم، معارف قرآن را از پیامبر فراگیریم

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

و منادی آسمانی را پاسخ گوییم.

اینک سه مورد از وظایف قلبی خود در برابر قرآن را مرور می‌کنیم.

۱. ایمان

نخستین وظیفهٔ هر انسانی در آستان قرآن کریم، شناخت قرآن است که مقدمهٔ لازم برای تکالیف بعدی است. ابعاد این شناخت، شامل درک اعجاز و وحیانی بودن قرآن و پیام رهایی بخش آن از راه‌های گوناگون است که خود مستلزم ایمان به مبدأ وحی (خدای سبحان) و مخاطب وحی (حضرت رسول٦) است. این شناخت موجب ایمان به قرآن می‌شود و وظایف مؤمنانهٔ پسین نتیجهٔ این شناخت است. تصدیق کلام خدا و ایمان به قرآن کریم، مهمترین وظیفهٔ ما در برابر کتاب آسمانی است که در آیات متعدد، مطرح شده است.

۱. یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْکِتابِ الَّذی نَزَّلَ عَلی رَسُولِهِ وَ الْکِتابِ الَّذی أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ؛ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ کُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعیدا. (نساء، ۱۳٦)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبرش و این کتاب که بر پیامبرش نازل کرده، و آن کتاب که پیش از آن نازل کرده، به حقیقت ایمان بیاورید. و هر که به خدا و فرشتگانش و کتابهایش و پیامبرانش و به روز قیامت کافر شود، سخت در گمراهی افتاده است.

در این آیه، ایمان به قرآن به عنوان سومین متعلّق ایمان، پس از خدا و رسول خدا مطرح شده و کفر به آن، یکی از اسباب گمراهی بیان شده است.

۲. «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنَا». (تغابن، ۸)

پس به خدا و پیامبرش و این نور که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید.

در این آیه سه متعلّق برای ایمان ذکر شده است. در بحث ایمان، ما مکلّف به

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

ایمان به خدا هستیم که مرکز متعلّق ایمان است، آنگاه دیگر متعلقات ایمان ارزش خود را از ارتباط با خدا می‌گیرند، مانند رسول خدا، کلام خدا، کتاب خدا، آیات خدا، لقاء الله، ملائکة الله. بنابر این ایمان به قرآن، ایمان به کتاب خدا و کلام خدا و کلمات خدا است.

۳. «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِكَةِ وَ الْكِتابِ وَ النَّبِيِّينَ». (بقره: ۱۷۷) نیکی آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید، بلکه (نیکی) نیکی کسی است که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد».

در این آیه ایمان به کتاب (قرآن و مجموعهٔ کتابهای آسمانی که قرآن به آنها راهنماست) جزء یکی از پنج اصل ایمانی مطرح شده است.

از آیات قرآن بر می‌آید که قلمرو دعوت به ایمان به قرآن شامل مشرکان، اهل کتاب و مسلمانان و مومنان می‌گردد.

شهادت به کلام الله بودن قرآن به عنوان مؤلفهٔ ایمان به قرآن کریم در دعای امام صادق۷ نیز مطرح شده است. آن حضرت، هنگامی که قرآن را برای خواندن به دست می‌گرفت، ضمن دعای خود عرضه می‌داشت: «خدایا! گواهی می‌دهم که این کتاب فرو فرستاده از سوی تو است بر پیامبرت محمد بن عبد الله، و کلام ناطق تو بر زبان پیامبر است، که آن را راهنمایی از خود برای آفریدگانت قرار دادی، و ریسمانی که میان تو و بندگانت پیوسته است. (مکارم الاخلاق ص ۳۴۳، الحیاة ج ۲ ص ۲۴۱)

به نظر می‌رسد دربارهٔ ایمان به قرآن، چهار جهت مطلوب و ضروری است:

الف. ایمان به اصل وحیانی و الهی بودن و حقانیت قرآن کریم؛

ب. ایمان به تمام تعالیم، آموزه‌ها و احکام قرآن، اعم از شهادت و غیب (حوزه‌ای که از درک آن عاجزیم مانند تفصیل رخدادهای عالم آخرت و دلیل یا حکمت

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

برخی احکام) و محکمات و متشابهات.

این جنبه در قرآن، از زبان راسخان در علم گزارش شده است: «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۷)

امام زین‌العابدین۷ دربارهٔ ضرورت باور و تسلیم در برابر آیات محکم و متشابه قرآن، در دعای خود عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ، وسَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاه حَقَّ رِعَايَتِهِ، ويَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، ويَفْزَعُ إِلَى الإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، ومُوضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ. (صحیفهٔ سجادیه، دعای ٤٢)

خدایا! اکنون که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی، و گره‌های زبانمان را به زیبایی عبارات آن گشودی، اینک ما را از کسانی قرار ده که آن را، چنان که شایستهٔ حفظ و نگهداری آن باشد، نگاه می دارند، و تو را با اعتقاد تسلیم در برابر آیات محکمش بندگی می‌کنند، و به پناهگاه اقرار به متشابهات آن و دلایل روشنش پناه می‌برند.

ج. عدم تبعیض در ایمان؛ یعنی ایمان به مجموعهٔ قرآن و نداشتن رفتار گزینشی در برابر آیات و احکام قرآن، به گونه‌ای که مفاد برخی آیات را بپذیریم و مفاد برخی دیگر را انکار یا توجیه کنیم. قرآن کریم این رفتار بنی‌اسرائیل درباره تورات را به شدت نکوهش کرده و پیامد ناگوار دنیوی و اخروی آن را گوشزد کرده است:

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ؟ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ. (بقره، ۸۵)

آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آورید، و به پاره‌ای کفر می‌ورزید؟ جزای هرکس از شما که چنین کند، چیزی جز خواری در زندگی دنیا نخواهد بود، و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذابها باز برند، و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

د. ایمان به همه کتابهای آسمانی. ایمان به قرآن باید همراه با ایمان به تمامی کتابهای آسمانی گذشته همانند تورات و زبور و انجیل باشد که قرآن معرّف و مصدّق آنها و حاکم بر آنهاست. در این مورد چند آیه نقل می‌شود:

*ها أَنْتُمْ أُولاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَ لا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُؤْمِنُونَ بِالْكِتابِ كُلِّه (آل عمران، ۱۱۹)

آگاه باشید که شما آنان را دوست می‌دارید، و حال آنکه آنها شما را دوست ندارند. شما به همه این کتاب[۱] ایمان آورده‌اید.

*كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ؛ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ؛ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (حجر: ۹۰ـ۹۳)

همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم کنندگان نازل کردیم؛ همانان که قرآن را جزء جزء کردند؛ پس سوگند به پروردگارت که از همهٔ آنان خواهیم پرسید؛ از آنچه انجام می‌دادند.

مفسران، مقصود از تجزیهٔ قرآن را ایمان به بخشی و کفر به بخشی دیگر دانسته‌اند. (التبیان، ج ٦ ص٣٥٤، تفسیر شبر، ص٢٤٦) البته نویسنده اطیب‌البیان ستم‌ها و رفتارهای برخی از اصحاب در جدایی قرآن و عترت را مراد آیه شمرده است. (اطیب‌البیان ج٨ ص٧٢ و ٧٣)

*آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ. (بقره، ۲۸۵)

در این آیه، از ایمان رسول اعظم٦ به «ما انزل الله» یعنی تمام آن چه خدای متعال نازل کرده، و ایمان همه مؤمنان به تمام کتابها و رسولان الهی و فرق نگذاشتن میان

---

۱. بسیاری از مفسران، مراد از کتاب در این آیه را مجموعهٔ کتابهای آسمانی دانسته‌اند. بنگرید: مجمع البیان ج ۲ ص ۲۷٤، الاصفی ج ۱ ص ۱٦۹، المیزان ج ۳ ص ۲۸۷، منهج البیان ج ٤ ص ٤۷. برخی از تفاسیر مانند آلاء الرحمن ج ۱ ص ۳۳٥ مقصود را قرآن می‌داند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

هیچ یک از رسولان (با تصدیق برخی و عدم تصدیق برخی دیگر) سخن رفته است.

*وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (انبیاء،۵۰)؛ این مبارک قرآنی است که نازل کرده‌ایم، آیا منکر آن هستید؟

در این آیه با وصف قرآن به «ذکر مبارک» با استفهام توبیخی، منکران آن سرزنش شده‌اند.

مسأله ایمان به آیات خدا در آیات فراوان در چند جنبه مطرح شده است: الف. آثار ایمان به آیات؛ ب. پیامدهای دنیوی و اخروی تکذیب آیات؛ ج. اسباب تکذیب مانند فسق و ظلم. (برای نمونه ر.ک. نساء ٥٦، مائده، ٨٦، روم ٥٣، فصلت، ٢٨، زخرف ٦٩، حدید، ١٩، تغابن، ١٠)

گفتنی است که تمام تکالیف دیگر، فرع بر ایمان به قرآن و از لوازم آن شمرده می‌شود.

۲. پذیرش مرجعیت علمی قرآن

مهمترین وظیفهٔ علمی ما در برابر قرآن کریم، پذیرش مرجعیت و مصدریت علمی قرآن کریم برای تمامی شناختها، اندیشه‌ها، باورها، سخنان و رفتارهایی است که در حوزهٔ هدایت و تربیت انسان و دستیابی او به سعادت دنیوی و اخروی ضرورت دارد، و کارکرد و هدف نزول قرآن، تحقّق این امور بوده است.

پذیرش حقیقی مرجعیت قرآن و گردن نهادن به معرفت و هدایت الهی، لازمهٔ گریزناپذیرِ ایمان به قرآن و تصدیق تعالیم آن است. این امر، "اهتداء" به معنای «هدایت‌پذیری از قرآن» نامیده می‌شود.

*إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (زمر ٤١؛ ر.ک. نمل ٩٢)؛ ما این کتاب را برای [راهبریِ] مردم به حق بر تو

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

فروفرستادیم. اینک هر کس هدایت پذیرد، به سود خود اوست، و هر کس بیراهه رود، این گمراهی تنها به زیان خودش خواهد بود، و تو بر آنها وکیل نیستی.

* تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (سجده، ۲و ۳)؛ نازل شدن این کتاب، که در آن هیچ شکی نیست، از جانب پروردگار جهانیان است. آیا می‌گویند دروغی است که خود به هم بافته؟ نه، سخنی است بحق از جانب پروردگارت، تا مردمی را که پیش از تو هشداردهنده‌ای نداشته‌اند هشدار دهی، شاید راه هدایت را بپذیرند.

مرجعیت علمی قرآن، مدلول آیات و روایات بسیاری است که قرآن را هدایتگر، نور، کتاب مبین، حکمت، برهان و تبیان کل شیء و کتاب حق معرفی کرده و هدایت را شأن اصلی قرآن شناسانده است.

* قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ؛ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده، ۱۵ و ۱۶)؛ قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشنگر آمده است. خداوند هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیلهٔ آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، و به توفیق خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند.

* وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف، ۵۲؛ ر.ک. نمل، ۱و۲)؛ و در حقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش، روشن و شیوایش ساخته‌ایم، و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است.

این آیه نشان می‌دهد که ایمان شرط بهره‌مندی از هدایت آن است.

* قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (فصلت، ٤٤)؛ بگو: این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

رهنمود و درمانی است، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشهایشان سنگینی است و قرآن (مایه) کوری آنان است.

در احادیث نیز، بر مصدریت علمی قرآن و ضرورت اخذ معارف دینی از کتاب و سنت بسیار تأکید شده است.

شیخ کلینی در مقدمه کتاب کافی، حدیث زیر را از امام۷ آورده است:

«من أخذ دینه من کتاب الله و سنة نبیه صلوات الله علیه وآله زالت الجبال قبل أن یزول، و من أخذ دینه من أفواه الرجال ردته الرجال.» (الکافی، ج۱، ص ۷. نعمانی که شاگرد کلینی است، در مقدمه کتاب خود، حدیث را از امام صادق۷ روایت می‌کند. بنگرید: غیبت نعمانی، ص ۲۲)

طبق این حدیث نورانی، منبع معارف دینی در تمامی حوزه‌های اعتقادی و عملی، قرآن و سنت حضرت رسول است. بر همین اساس، ارزش اخذ معارف دینی از دو منبع مایهٔ ثبات دین‌شناسی و دینداری انسان است، بر خلاف دین‌شناسیِ فردی که دین خود را از اندیشه‌ها و نوشته‌های دیگران برگرفته است.

خضوع علمی در برابر قرآن و تسلیم بودن در برابر آموزه‌ها و احکام آن، ثمرهٔ ایمان به وحیانی بودن، حقانیت، خطاناپذیری و جامعیت کتاب الهی است. امیرالمؤمنین۷ به این حقیقت تصریح می‌کنند که خداوند به وسیلهٔ قرآن، هدایت خود را به کمال رسانده و پیامبر نیز تمام احکام هدایت‌گر خدا را بیان کرده است:

«خدای متعال نور هدایت خود را به اتمام رسانده و دین خود را به وسیلهٔ قرآن کامل کرده است. زمانی جان پیامبر را گرفت که ابلاغ هدایت‌های قرآنی را به پایان برده بود. اینک خداوند سبحان را چنان بزرگ دارید که او خود خویشتن را بزرگ داشته؛ زیرا چیزی از دین خود را بر شما پوشیده نداشته است. هیچ چیز نیست که او را خشنود سازد، یا سبب کراهت او گردد، مگر آن که برای آن نشانی روشن و آیه‌ای محکم قرار داده که از مکروهات باز می‌دارد و به آن چه خشنود است، فرا

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

می‌خواند». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

حضرتش در کلامی دیگر جامعیت قرآن و تمامیت دین را این گونه بیان می‌دارد: «وأَنْزَلَ عَلَيْكُمُ الْكِتَابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْءٍ؛ وعَمَّرَ فِيكُمْ نَبِيَّه أَزْمَاناً حَتَّى أَكْمَلَ لَه و لَكُمْ فِي مَا أَنْزَلَ مِنْ كِتَابِه دِينَه الَّذِي رَضِيَ لِنَفْسِه؛ و أَنْهَى إِلَيْكُمْ عَلَى لِسَانِه مَحَابَّه مِنَ الأَعْمَالِ ومَكَارِهَه و نَوَاهِيَه و أَوَامِرَه» (نهج البلاغه، خطبه ٨٦)

خداوند قرانی برای شما فرو فرستاد که بیان کنندهٔ همه چیز است. پیامبرش را چندان در میان شما زنده نگاه داشت تا دین خود را برای او و شما - بدان گونه که در کتاب خود نازل کرده بود و خودش می‌پسندید - به کمال رساند و بر زبان او، هر کار زیبا و ناپسند، نواهی و اوامر خود را به شما ابلاغ کرد.

باور به جامعیت قرآن کریم، پذیرش منبع بودن آن در تمام امور لازم برای هدایت و تربیت فرد و جامعه بشری است. امام صادق۷ با معرفی کتاب و سنت به عنوان مرجع تمام امور دینی، قرآن را معیار ارزیابی هر سخن و حدیثی معرفی می‌فرماید: «کل شئ مردود إلی الکتاب والسنة.» (الکافی، ج۱، ص ٦٩)

ملاصالح مازندرانی در شرح این حدیث به دو بیان (معنای امری و معنای اخباری) که هر دو محتمل است، می‌نویسد:

ای وجب ردّه إلیهما أو هو إخبار بأنّهما أصل کلُّ شیء و مصیره و مردّ کلِّ حکم و منتهاه. (شرح کافی، ج ۲ ص ٤٢١)؛ یعنی: هر امری (از امور دینی) را باید به کتاب و سنت ارجاع داد (معنای امری حدیث)؛ یا گزارش از این است که کتاب و سنت، اصل هر چیزی و محل بازگشت و مرجع و منتهای هر حکمی‌است. (معنای اِخباری حدیث)

۳. پذیرش حاکمیت و داوری قرآن کریم

یکی از وظایف قلبی مهم ما در برابر قرآن کریم، پذیرش داوری قرآن و معیار قرار دادن آن در تمام اختلافات و منازعات دینی است. این تکلیف، از نتایج و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

لوازم ایمان و تسلیم در برابر قرآن شمرده می‌شود. حاکمیت علمی قرآن بدین معناست که قرآن در اختلاف‌ها و دعاوی، حاکم و داور و میزان برای تشخیص حق از باطل و درست از نادرست است. نقش داوری قرآن، همهٔ عرصه‌ها و زمینه‌های مربوط به شئون هدایتی قرآن را در برمی‌گیرد. قرآن کریم به گونه‌های مختلف بر نقش حاکمیت خود تأکید کرده و خود را «فرقان» نامیده است. (فرقان، ۱؛ بقره، ۱۸۵) فرقان، یعنی جداکنندهٔ حق از باطل. از اوصاف دیگر قرآن «قول فصل» (طارق، ۱۳) به معنای «حکم قاطع» است.

همچنین خطاب به پیامبر می‌فرماید: و ما این کتاب را به حق به سوی تو فرستادیم؛ در حالی که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و حاکم (مهیمن) بر آن‌ها است. اینک طبق آنچه خدا نازل کرده است، میان آنان حکم کن. (مائده، ٤٨)

واژهٔ «مهیمن» بیانگر یک بُعد از داوری قرآن است که بر تمام کتاب‌های آسمانی گذشته اِشراف و حاکمیت دارد؛ یعنی تنها آن دسته از آموزه‌های کتب پیشین از سوی خداوند متعال نازل شده و پذیرفتنی است که مورد تصدیق قرآن باشد.

یکی از آیات مهم در این زمینه، آیه زیر است:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآَخِرِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِیلًا (نساء،٥٩)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هر گاه در امری [دینی] به اختلاف نظر افتادید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر [او] عرضه بدارید. این کار، بهتر است و فرجامی نیکوتر دارد.

حضرت امیر۷ در عهدنامه مالک اشتر به وی سفارش می‌کند که در مسائل دشوار و امور مشتبه، داوری را به خدا و رسولش واگذارد:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

«در هر کار بزرگی که برای تو دشوار شود، و اموری که برایت شبهه‌آمیز باشد، به خدا و رسول او رجوع کن؛ زیرا خداوند سبحان به قومی که دوستدار هدایتشان بود، چنین گفته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کردید، به خدا و پیامبر رجوع کنید.» (نساء، ۵۹) رجوع به خدا، گرفتن محکمات کتاب او است، و رجوع به رسول، گرفتن سنت جامع او است، سنتی که مسلمانان را گرد هم می‌آورد و پراکنده نمی‌سازد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

از فرمایش حضرت به روشنی برمی‌آید که معیار داوری در اختلافات دینی دو شاخص است: یکی محکمات قرآن، نه آیات متشابه و دو پهلو. دیگری سنت جامع و قطعی پیامبر. بر این اساس، تمام اندیشه‌ها و آراء کهن و نوین که در عرصه معارف دینی مطرح می‌شود، نیازمند ارزیابی و اعتبارسنجی با این دو معیار مشخّص است.

یکی از تعابیر بسیار مهم قرآن کریم دربارهٔ حاکمیت قرآن و هر کتاب آسمانی دیگر، تعبیر «حکم بما انزل الله» است. خدای متعال در آیات متعددی، پیامبر و مؤمنان و اهل کتاب را به حکم کردن بر طبق کتاب آسمانی فرمان داده است.[1]

یکی از موارد شاخص این دستور، در آیات ٤٤ تا ٤٩ سوره مائده آمده است. در این آیات، به اهل تورات و اهل انجیل امر می‌کند بر وفق کتاب آسمانی خود حکم کنند. آنگاه با سه تعبیر هشدار آمیز، پیامد ترک این دستور بیان شده است. آیه ٤٤ آموزه‌های متعددی در تعامل با کتاب آسمانی در بر دارد:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ؛ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ، بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ؛ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا

۱. نویسندگان آیات الاحکام این آیات را در کتاب القضاء مورد بحث و تفسیر قرار می‌دهند. ر.ک. فقه القرآن، ج ۲ ص ۵ به بعد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲ ص ۳۷۶ به بعد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

قَلِيلًا؛ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (مائده ٤٤)؛ ما تورات را که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم فرمان بودند بنا بر آن برای یهود حکم کردند و نیز خداشناسان و دانشمندان که به حفظ کتاب خدا مأمور بودند و بر آن گواهی دادند. اینک، از مردم مترسید، بلکه از من خشیت ورزید و آیات مرا به بهای اندک مفروشید. و هر که حکم نکند بر وفق آیاتی که خدا نازل کرده، کافر است.

در آیه بعد با بیان احکام قصاص در تورات - که باید بر پایه آن حکم کنند - آمده است: «وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده ٤٥)

در آیه ٤٦ در بارهٔ رسالت حضرت عیسی۷ و کتاب انجیل و ویژگی‌های هدایتیِ آن سخن رفته و در آیه ٤٧ ضرورت حکم کردن اهل انجیل بر طبق محتوای آن بیان شده است:

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (مائده، ٤٧)؛ و باید اهل انجیل بر طبق آنچه خدا در آن نازل کرده است، داوری کنند. زیرا هر کس داوری نکند به آنچه خدا نازل کرده، از نافرمانان است.

در آیات فوق، کسانی که به "ما انزل الله" حکم نکنند، با وصف کافر، فاسق و ظالم معرفی شده‌اند. مفسران ذیل این آیات، دو موضوع مهم را بررسی کرده‌اند. نخست اینکه آیا مضمون این آیات، اختصاص به یهود و نصاری دارد؟ در پاسخ به این پرسش، همسو با مفسّران باید گفت که محتوای این آیات، بنابر قاعده مورد مخصّص نیست، بلکه شامل امت اسلامی در تعامل با آیات و احکام قرآن کریم نیز

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

می‌گردد.[1]

نکته دوم آن که آیا حکم به کفر و فسق و ظلم در این آیات، مطلق است یا مشروط؟ دیدگاه درست، مشروط بودن این حکم است. محقق اردبیلی بر آن است که اگر حکم حاکم به غیر ما انزل الله، همراه با انکار و استخفاف به حکم خدا باشد، وی کافر است، زیرا شریعت را سبک شمرده و ضروری دین را منکر شده است. ولی بدون این قید، ظالم است به دلیل حکم به خلاف حقّ، و فاسق است به جهت خروج از شرع. (زبدة البیان ص ٦٨٤؛ فاضل مقداد، همان)

پس از این آیات، موضوع قرآن کریم و موقعیت و نسبت آن با کتابهای آسمانی پیشین مطرح شده و "حکم بما انزل الله"به حضرت رسول٦ یادآوری شده است.

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ، فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ (مائده ٤٨)؛ و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده و حاکم بر کتابهایی است که پیش از آن بوده‌اند. پس بر وفق آنچه خدا نازل کرده است، در میانشان حکم کن و از پیِ خواهشهاشان مرو، مبادا آنچه را از حق بر تو نازل شده است واگذاری.

آیه دیگر، حکم به وحی الهی را یکی از اهداف نزول قرآن شمرده است: «إِنَّا أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِما أَراكَ الله ولا تَكُنْ لِلْخائِنِينَ خَصِيماً»

در احادیث نیز حکم به غیر ما انزل الله به شدت نکوهش شده و از جمله در

---

١. برای نمونه فاضل مقداد می‌نویسد: «قیل هذه الثلاث حیث وردت فی حکایة ما أنزل الله علی أهل الکتاب فهی مختصّة بهم، ولیس بشیء، بل هو عامّ فی کلّ ملة لأنّ خصوص السّبب لا یخصّص». کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ٢ ص ٣٧٧. نیز بنگرید: التبیان، ج ٣ ص ٥٣٤، زبدة التفاسیر، ج ٢ ص ٢٦٥ ـ ٢٦٦.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

حدیثی از امام جعفر صادق۷ آمده است: «مَنْ حَكَمَ فِی دِرْهَمَيْنِ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّه عَزَّ وجَلَّ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّه الْعَظِيمِ» (الکافی، ج ۷ ص ۴۰۷، بَابُ مَنْ حَكَمَ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّه عَزَّ وجَلَّ)

علاوه بر داوری به حکم خدا، پذیرش و تسلیم در برابر این حکم نیز ضروری است. در برخی از متون دینی، این مهم تبیین شده است.

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء، ٦٥)؛ نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند، مگر آنکه در نزاعی که میان آنهاست تو را داور قرار دهند؛ آنگاه از حکمی که تو می‌دهی هرگز ناخوشنود نشوند و سراسر تسلیم آن گردند.

کلام امام صادق۷ ذیل آیه، برای تبیین آن مفید است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّه علیه السلام: «لَوْ أَنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّه وَحْدَه لَا شَرِيكَ لَه، وأَقَامُوا الصَّلَاةَ وآتَوُا الزَّكَاةَ وحَجُّوا الْبَيْتَ و صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ، ثُمَّ قَالُوا لِشَيْءٍ صَنَعَه اللَّه أَوْ صَنَعَه رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه و آله أَلَّا صَنَعَ خِلَافَ الَّذِي صَنَعَ أَوْ وَجَدُوا ذَلِكَ فِی قُلُوبِهِمْ، لَكَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِكِينَ. ثُمَّ تَلَا هَذِه الآيَةَ: فَلا و رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِی ما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ ويُسَلِّمُوا تَسْلِيماً. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّه علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ.» (کافی ج ۱ ص۲۹۰)

امام صادق۷ فرمود: اگر مردمی خدای یگانهٔ بی‌شریک را عبادت کنند و نماز گزارند و زکات دهند و حج خانه خدا گزارند و ماه رمضان را روزه دارند، ولی پس از همه اینها نسبت به حکمی که خدا یا رسولش کرده، بگویند: چرا بر خلاف این نکرد؟ یا این معنی را در دل خود احساس کنند (بی‌آنکه به زبان آورند) به همین سبب مشرک می‌شوند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «نه، به پروردگارت سوگند، ایمان ندارند تا تو را در اختلافات خویش حاکم کنند، سپس در دلهای خویش از آنچه حکم کرده‌ای ملال و گرفتگی نیابند و بی‌چون و چرا گردن نهند. سپس امام صادق۷ فرمود: بر شما باد به تسلیم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

بر پایه این گونه متون، معیار تشخیص حق از باطل قرآن است. سخن و اندیشهٔ هیچ فرد یا گروه یا مکتبی نمی‌تواند بر حکم قرآن مقدم باشد. تسلیم علمی ما در برابر دانش قرآن، باید تا آنجا باشد که در برابر احکام و تعالیم بر حق آن، اندیشه‌ها و آراء خود را تخطئه کنیم. امیرالمؤمنین۷ در این باره می‌فرماید:

«واسْتَدِلُّوه عَلَى رَبِّكُمْ واسْتَنْصِحُوه عَلَى أَنْفُسِكُمْ، واتَّهِمُوا عَلَيْه آرَاءَكُمْ واسْتَغِشُّوا فِيه أَهْوَاءَكُمْ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵)؛ قرآن را رهنمای شناخت پروردگار خویش گیرید و از آن برای خود اندرز بخواهید و در برابر قرآن، اندیشه‌های خود را متهم سازید و خواسته‌های خود را خیانتکار شمارید.

امام علی۷ سفارش می‌کند که انسان در امور شبهه‌ناک، باید براساس قرآن عمل کند.

«رُدَّ نَفْسَكَ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ أَقِمْهَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ» (غررالحکم، ج ٤، ص ۹۰، ح ٥٤٠٦)؛ نفس خود را از آلوده شدن به هواهای نفسانی باز دار، و آن را در شبهه‌ها به کتاب خدا عرضه کن.

از نظر امام، ثمرهٔ پیروی از حکم قرآن و گردن نهادن به داوری آن، اتحاد امت اسلامی حول محور حق و جلوگیری از تفرقه است. از این رو در بارهٔ موضوع حکمیت، خطاب به خوارج می‌فرماید:

«آن دو (ابو موسی و عمرو بن عاص) داور شدند تا زنده کنند آن چه را قرآن زنده داشته است، و بمیرانند آن چه را قرآن میرانده است. زنده داشتن آن، گرد آمدن است بر محور احکام قرآنی و میراندنش جدا شدن از احکام آن است. اگر قرآن ما را به جانب ایشان کشانَد، از ایشان پیروی می‌کنیم و اگر آنان را به سوی ما کشانَد، باید از ما پیروی کنند... بزرگانِ شما دو مرد را برگزیدند و ما از آن دو پیمان گرفتیم که از قرآن تجاوز نکنند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

در سخنی دیگر ـ نیز خطاب به خوارج ـ می‌فرماید: «رأی سرانتان بر آن شد که دو مرد را برگزینند و ما از آن دو پیمان گرفتیم که به قرآن رفتار کنند و از آن تجاوز نکنند. زبانشان با قرآن باشد و دلشان پیروِ آن». (همان، خطبه ۱۷٦)

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.

۲. برقی، احمد بن خالد، المحاسن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۳۰ ش.

۳. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ١٤٢٠ ق.

٤. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتاب الإسلامی، ١٤١٠ ق.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، خاتمة وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت، قم: مؤسسة آل البیت لإحیاء التراث، ١٤١٤ ق.

٦. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **الفوائد الطوسیّة**، تحقیق: سید مهدی لاجوردی و محمد درودی، قم: مطبعه علمیه، بی‌تا.

۸. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ١٤٠٨ق.

۹. رازی، حسین بن علی (ابوالفتوح)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ١٤٠٨ ق.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی.

۱۱. سبزواری، سید محمد، معارج الیقین، قم: مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، ١٤١٠ ق.

۱۲. شبر، سید عبد الله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغة، ١٤١٢ ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، تحقیق: مهدی هوشمند، قم: دار الحدیث، ۱٤۲۲ق.
۱٤. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة، بی‌تا.
۱۵. الصحاح في اللغة و العلوم، اعداد و تصنیف: ندیم مرعشلی و اسامه مرعشلی، بیروت: دارالحضارة العربیّة، ۱۹۷٤م.
۱٦. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، قم: دفترانتشارات اسلامی.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۹۰ق.
۱۸. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱٤۱۵ق.
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱٤۱۲ ق.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر خرسان، نجف: دارالنعمان، ۱۳۸٦ ق.
۲۱. طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن، التبیان فی تفسیر القران، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱٤۰۹ق.
۲۲. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات اسلام؛ ۱۳۷۸ ش.
۲۳. علم‌الهدی، علی بن حسین، أمالی المرتضی، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالفکر العربی.
۲٤. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المکتبة الاسلامیة.
۲۵. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنزالعرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سید محمد قاضی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱٤۱۹ ق.
۲٦. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱٤۲۰ ق.
۲۷. فیض کاشانی، محسن، الأصفی فی تفسیرالقرآن، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱٤۱۸ ق.
۲۸. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: مکتبة الصدر، ۱٤۱۵ ق.
۲۹. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، تحقیق: احمد الحسینی، قم: مکتبة المرعشی.
۳۰. کاظمی، جواد بن سعید، مسالک الأفهام الی آیات الأحکام، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳٦۵ ش.
۳۱. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳٦ش.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳٦۳ ش.
۳۳. مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، با تعلیقات ابوالحسن شعرانی، تصحیح علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳٤. مجتبوی، جلال الدین (مترجم)، علم اخلاق اسلامی، تهران: حکمت، ۱۳۷۷ش.
۳۵. مدنی‌شیرازی، سیدعلی‌خان، ریاض السالکین، تحقیق سید محسن حسینی امینی، قم: مؤسسه انتشارات

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]

اسلامی، ١٤١٥ ق.
٣٦. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحکام القرآن، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ١٤٠٥ ق.
٣٧. ملکی میانجی، محمدباقر، مناهج البیان فی تفسیر القرآن، تنظیم محمد بیابانی اسکویی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،١٤١٧ ق.
٣٨. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: مؤسسة المرتضی العالمیة و دار المؤرخ العربی، ١٤١٢ ق.
٣٩. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات؛ تحقیق: سید محمد کلانتر، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
٤٠. نهاوندی، محمد بن عبد الرحیم، نفحات الرحمن فی تفسیر القران، قم: بنیاد بعثت.
٤١. هادوی کاشانی، اصغر، مراتب انس با قرآن در روایات، فصلنامه علوم حدیث. شماره ١٣، پاییز ١٣٧٨، ص ٧١-٩١.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.8.7]